

اکبر نیکویی ها!

زینت سادات جعفری

روزهای سال، ورق می خورد... به شعبان که می رسم زاده می شود با تو بر ایمان از نو؛ جوانمردی، حلم، شجاعت، ادب، تواضع و...

یازده شعبان می رسد و می پرد پلک زمین و ستارگان می درخشند در سیاهی چشمانش که لایق شده میزبان حضور باشد ای شبیه ترین به رسول خدا در صورت و سیرت...

یازده شعبان؛ و ولادت تو در میان شادی چشمان پدر.

آغاز زندگی جوانمردانه ات، آغاز بندگی خداوند و اثبات لیاقت فرزندی حسین علیه السلام یازده شعبان؛ بر زمین می رسی تا هر سال، همین روز زمین افتخار کند بر خود، داشتنت را.

یازده شعبان؛ آغاز روز شمار زندگانی ات تا رسیدن به بیست و هفت سالگی و قهرمانی هایت در رکاب پدر.

یازده شعبان که می شود زمین به خود می بیند دوباره کسی را که «خلق عظیمش» زباند می شود بر کائنات.

یازده شعبان که می رسد، حسین علیه السلام فرزندی را در آغوش می گیرد که با هر بار نظاره بر صورت آفتاب وش او، گویی چشم در چشمان رسول خدا می دوزد. تو وارث به حق فضایل و کرامات جد خویشی و تو تجلی دوباره عظمت و جلالت نبوی بر اهل زمینی.

تو ایستاده بر قلّه هر آنچه نیکی است، خصایل نیکت از ستارگان فزون تر... زبان از وصف، عاجز و حتی دشمن چاره ای جز خضوع و ادب در برابر دریای فضیلت ندارد.

چه گواهی بالاتر از سخن حسین علیه السلام که به حقیقت آدمی آگاه است. که تو را جامع صفات و خصال محمدی می داند، آن گاه که می گوید: «اللهم اشهد انه برز الیهم، شبه الناس خلقا و خلقا و منطقاً برسولک و کنا اذا اشتقنا الی نبیک نظرا الیه»^۲

«خدا! آگاه باش شبیه ترین مردم به رسولت در خلقت و اخلاق و سخن گفتن به سوی اینان رفت و ما هرگاه مشتاق پیامبرت می شدیم به او نگاه می کردیم.» خوش بیان، جذاب، نرم، بشاش، کریم، بلند طبع، با گذشت و بزرگواری، خوش منظر، نظیف، با خضوع و خشیت، شجاع و...

آری، می توان صفحه ها نگاهشت از تو... از اخلاق پسندیده ای که چون اخلاق رسول خدا، انگشت حیرت نشاند بر دهان تاریخ که آیا می شود کسی چنین «عظیم» باشد در ظاهر و باطن؟!

با تو می توان سینه سپر کرد در برابر تاریخ همه ملت ها... قد کشید در میان تمام مدعیان انسانیت.

با همه نیکویی هایت؛ با همه زیبایی صورت و سیرت؛ با همه شجاعت می توان متحیر ماند از ادب و احترام و تواضع بر پدر...

با تو می توان صفحه ها تفسیر نگاهشت بر معنای ادب. زانو می زنم بر مکتب دلدادگی حسینی ات؛ بر تجلی دوباره حضرت باران در وجودت.

با تو می توان خط بطلان کشید بر تمامی اسطوره های خیالی؛ تندیس صفات را تراشید بر سینه ملت ها!

یازده شعبان که می رسد، دلم از میان مشغله های دنیا سرک می کشد و در میان شادی حضور در زمین، جوان می شود از تو و می تکاند خود را از خاکی که دنیا و متعلقاتش بر سر ریخته و پیرش کرده؛ با تو زنده می شود باز هر آنچه نیکی است؛ اکبر نیکویی ها!

رؤسای شان اجازه بدهند و چه اجازه ندهند، تصویری که از اسلام و رأفت و اخلاق اسلامی در ذهن آنهاست، تصویری است که ما می خواهیم؛ نه آن که دشمن خواسته است. اسرایی که تا گلوله ای آخرشان را مصرف کرده بودند، بعد دست شان را بالا کرده بودند، از ساعت اول، این بچه های جوان ما در جبهه، آب قمقمه ای خودشان را به آنها دادند. بعد که به اینجا آمدند و داخل سربازخانه ها و اردوگاه ها مستقر شدند، غذا و بازی و تفریح و کار یاد گرفتن و عزاداری و جلسات شان برقرار بود و کارهای فراوانی می کردند که شماها غالبا خبر ندارید. اگر یک وقت تلویزیون را که مکرر این فیلم ها را در این جا پخش کرده است ببینید و دو وضعیت را با هم مقایسه کنید، خیلی تعجب خواهید کرد. آنها هم اگر وضعیت شما را بدانند، حقایقی را خواهند فهمید. اسلام به ما راست گفت. اسلام به وعده هایی که به ما داده بود، عمل کرد. شما با عزت و سربلندی برگشتید. این سخنان رهبر معظم انقلاب است در دیدار با جمع کثیری از آزادگان در شهریور ۱۳۶۹.

منابع:

۱. روزگاران ۱۵ (کتاب اسارت)، لیلا قلی پور اسکویی، انتشارات روایت فتح.

۲. روزگاران ۲۱ (کتاب بانوان آزاده)، فاطمه مصلح زاده، انتشارات روایت فتح.

۳. در زندان دژخیم (خاطرات آزادگان جهاد کشاورزی استان خوزستان)، عبدالرضا سالمی نژاد، تهران، ۱۳۸۶، انتشارات پیام آزادگان.

۴. شکوفه های صبر (خاطرات جمعی از روحانیون آزاده از دوران اسارت)، اصغر زاغیان، انتشارات پیام آزادگان.

۵. رمز مقاومت (خاطرات آزادگان درباره امام خمینی)، سعید عطاریان، جلد ۱، انتشارات پیام آزادگان.

۶. دانستی های آزادگان، عبدالرضا سالمی نژاد، انتشارات پیام آزادگان.

